

جستارهای تاریخی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دوفصلنامه علمی - پژوهشی، سال نهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، ۹۳-۱۲۱

تحلیل فرآیند مشروعیت‌سازی بر سکه‌های ایلخانی (۶۵۷-۷۳۶ هـ.ق)

شیمای شمسی*

میترا شاطری**، عباسعلی احمدی***

چکیده

ایلخانان به منظور برپایی نظم اجتماعی و تحقق اهداف خود، ناگزیر به اجرای سیاست‌هایی بودند که مشروعیت آن‌ها را در برابر مردم و رقبای داخلی و خارجی تضمین کند. در همین راستا سکه‌ها نیز به عنوان ابزار انحصاری حکومت، دچار تغییراتی شد. چنان‌که در این دوره مفاهیم اسلامی و ایرانی در کنار مضامین مغولی، بر سکه‌های حاکمان بودایی مذهب مغول نقش بست. در پژوهش حاضر سکه‌های ایلخانی با هدف ارزیابی نظرات سکه‌شناسی و تحلیل فرآیند مشروعیت‌سازی در این دوره، به شیوه تحلیلی-تاریخی مورد مطالعه قرار گرفت. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن است که مشروعیت‌سازی ایلخانان در قالب شعارهای مغولی، ایرانی و اسلامی به واسطه مفاهیمی بر مبنای منابع قانونی-عقلانی، سنت و کاریزما بوده است. به این ترتیب که به‌کارگیری این مفاهیم بر سکه‌ها، بر حسب مضمون و میزان، از رقابت‌های سیاسی داخلی و خارجی دوره هر ایلخان تبعیت نموده است.

کلیدواژه‌ها: مشروعیت‌سازی، ایلخانان، سکه، سنت‌های اسلامی.

* کارشناس ارشد باستان‌شناسی فرهنگ و تمدن سرزمین‌های اسلامی، دانشگاه شهرکرد،

shima.shamc@gmail.com

** استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه شهرکرد (نویسنده مسئول)، shateri.mitra@lit.sku.ac.ir

*** استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه شهرکرد، a.ahmadi@lit.sku.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۶/۱۲، تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۸/۲۵

۱. مقدمه

پیشینه حضور چنگیز و فرزندانش در عرصه سیاسی ایران، تصویری منفی از مغولان در ذهن ایرانیان برجا گذاشته بود. به علاوه ادعای اولوس‌های مغولی و اختلاف با سلاطین مصر نیز؛ زمینه‌ساز بروز تنش‌هایی بود که ضرورت کسب مشروعیت را برای حکومت ایلخانان بیشتر می‌کرد. از این رو، فرآیند مشروعیت‌سازی برای ایلخان در اجزای مختلف حکومت، پدیدار گردید.

سکه‌ها در طول تاریخ همواره نشانی از هویت و استقلال حکومت‌ها بوده‌اند. چنان‌که از قول همدانی وزیر دربار ایلخانان، می‌توان مسکوکات را در جایگاه «یکی از نوامیس پادشاهان» در دوره ایلخانی باز شناخت (همدانی، ۱۳۵۸: ۲۸۲). همدانی تصویری از سیستم دقیقی که غازان برای ضرب سکه وضع کرده ارائه می‌کند که در آن نام ایلخان «به نیکویی» در همه جا ضرب می‌شده است (همان: ۲۸۲). از این قول چنین بر می‌آید که در این دوره نظارت و تعیین حکومت در حک مضامین سکه‌ها وجود داشته است. از این نظر، سکه‌ها داده فرهنگی مناسبی برای مطالعه فرآیند مشروعیت‌سازی ایلخانان محسوب می‌شوند. با توجه به این زمینه، پژوهش حاضر به مطالعه سکه‌های به‌جامانده از دوره ایلخانی با هدف ارزیابی نظرات سکه‌شناسی و تحلیل فرآیند مشروعیت‌سازی در این دوره پرداخته است. لازم به ذکر است در این جستار مقصود از سکه‌های ایلخانی؛ سکه‌های دوره حکومت هولاکو تا ابوسعید (۶۵۱-۷۳۶ هـ ق) است که توسط ایلخانان- نه حکومت‌های محلی تابعه- ضرب شده است.

پژوهش‌های صورت گرفته بر سکه‌های ایلخانی اغلب به معرفی سکه‌های این دوره اختصاص داشته‌اند. آثار ترابی طباطبائی (۱۳۴۷)، امر دیلر (Omer Diler) (۲۰۰۶) و علاءالدینی (۱۳۹۵) از جمله این موارد هستند. در این میان برخی از پژوهشگران همچون شیلابلر (Shila Blair) (۱۹۸۳)، سرفرازی (۱۳۸۹)، یار احمدی (۱۳۸۹)، نیستانی و همکاران (۲۰۱۴)، احمدی و همکاران (۱۳۹۴) و ثواقب و همکار (۱۳۹۶) نیز مطالعاتی تحلیلی بر سکه‌های ایلخانی انجام داده‌اند، که هیچ یک به طور خاص در راستای مشروعیت‌سازی ایلخانان نبوده است. از این رو جستار حاضر با نگاهی متفاوت به مطالعه سکه‌های این دوره پرداخته و به این واسطه در پی پاسخگویی به این پرسش‌ها است: چه مضامینی به‌منظور مشروعیت‌سازی برای ایلخان در سکه‌ها استفاده شده است؟ چه ارتباطی میان منابع مشروعیت‌ساز به‌کار رفته در سکه‌ها و رخداد‌های سیاسی دوره حکومت هر ایلخان

وجود دارد؟ و این‌که، مشروعیت‌سازی ایلخانان در سکه‌های این دوره چه فرآیندی را طی کرده است؟ در پیوند با سؤالات مطرح شده؛ داده‌های این پژوهش با روش میدانی و کتابخانه‌ای از موزه‌ها و مجموعه‌های مختلف جمع‌آوری شدند. سپس مفاهیم موجود بر آن‌ها به روش تحلیلی-تاریخی و با توجه به دیدگاه جامعه‌شناختی ماکس وبر از منابع مشروعیت، مورد تحلیل قرار گرفت.

۲. شرح تاریخی

برای درک بهتر بستر سیاسی-اجتماعی دوره ایلخانی، پیش از هر چیز باید موضع اختلاف رقبای حکومت ایلخانی را روشن نمود. دو اولوس مغولی جوجی و جغتای از جمله رقبای سیاسی ایلخانان بودند. چرا که بر اساس تقسیمات چنگیزخان، سرزمین‌های تسخیر شده در قفقاز و اران به اولوس جوجی تعلق داشت. اما با فتح مناطق غربی توسط هولاکو، ایلخانان به باقی‌مانده این دو منطقه ارزشمند دست یافتند (بیانی، ۱۳۹۳: ۲۶۸). این نکته موجب بروز اختلافاتی میان ایلخانان و خاندان جوجی گردید (آیتی، ۱۳۸۳: ۲۷-۲۸). خاندان جغتای نیز با توجه به سابقه حضور جغتای در لشکرکشی به شرق ایران و تقسیمات چنگیزی، بر حدود شرقی قلمرو ایلخانان طمع داشتند (خواندمیر، ۱۳۸۷، ج ۳: ۴۴-۴۵). آن‌ها همچنین مدعی بودند که منگوقاان هولاکو را برای تشکیل یک حکومت مستقل به ایران نفرستاده؛ بلکه مأموریت او تسخیر مناطق جدید به‌نام خاندان چنگیز بوده است (حسن‌پور و همکار، ۱۳۹۶: ۲۲۵). به این ترتیب، این دو بازمانده مغولی به دشمنانی علیه تمامیت ارضی و موجودیت حکومت ایلخانان بدل شده بودند.

در جناح دیگر، حملات پی در پی برای تسخیر منطقه شامات و مصر به‌عنوان بخشی از مأموریت هولاکو (همدانی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۶۸۶) ممالیک را به مانعی در برابر اقدامات توسعه طلبانه ایلخانان مطرح کرده بود. از سویی از میان برداشتن دستگاه خلافت عباسی، چهره مغولان را در جهان اسلام مخدوش کرده بود. این جریان با تجدید حیات خلافت عباسی در قاهره پررنگ‌تر شده و کسب قدرت برتر در جهان اسلام را به هدف قوی‌تری برای تداوم اختلافات دو طرف تبدیل کرده بود (بیانی، ۱۳۹۳: ۲۶۸). به این ترتیب در عرصه رقابت‌های خارجی؛ فعالیت‌های این دو گروه عمده، تلاش بیشتری را برای حفظ حاکمیت به ایلخانان تحمیل کرده بود.

در جبهه داخلی نیز، فتنه‌هایی که به واسطه اتحاد همتایان مغولی صورت گرفته بود، در قلمرو ایلخانی تشویش ایجاد می‌کرد (آیتی، ۱۳۸۳: ۴۶)، همچنین دسیسه‌های درباریان (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۲: ۱۱۱-۱۱۳) و اختلافاتی که گاه بر سر جانشینی ایلخان قبلی پدید می‌آمد (اشپولر، ۱۳۸۶: ۸۴) نیز مشکلات مهمی را برای حکومت ایجاد کرده بود. به‌علاوه ایلخانان به‌عنوان نوادگان چنگیز؛ در ذهن مردم منطقه یادآور کشتار و ویرانی حاصل از حمله نخست مغولان به ایران بودند. از این رو این تصویر باید به‌واسطه مشروع ساختن حکومت، تا حدی در برابر اذهان عمومی بهبود می‌یافت که تلاش مضاعفی را برای کسب مشروعیت از ایلخانان طلب می‌کرد.

۳. مشروعیت‌سازی و منابع مشروعیت‌ساز

با توجه به شرح سیاسی-اجتماعی مجملی که از دوره ایلخانی بیان شد؛ ایلخانان در تلاش بودند تا مشروعیتی برای خود پدید آورند و به‌واسطه آن نوعی ضمانت اجرایی در پیش‌برد سیاست‌ها و مقابله با رقبای خود کسب کنند. چرا که هیچ مدنی نمی‌تواند دوام بیاورد مگر این‌که توجیه قانع‌کننده و قوام‌دهنده‌ای برای ساختار و عملکرد سیاسی خود ارائه دهد (رجایی، ۱۳۷۲: ۹). این توجیه را مشروعیت، برای حکومت‌ها فراهم می‌کند (نیک‌گهر، ۱۳۸۳: ۱۸۶). مشروعیت (Legitimacy) در اصل نهادینه کردن پذیرش مردم در مورد حکومت، مشارکت و همکاری آنان در برپایی و حفظ نظم اجتماعی است (Baines & Yoffee, 2000: 15). در این جستار مجموعه اقدام‌های آگاهانه و هدفمند حاکمان برای کسب مشروعیت؛ به‌عنوان مشروعیت‌سازی تعبیر شده‌است.

به اعتقاد بیتهام مشروعیت برای روابط قدرت ناشی از اقدامات خصمانه، اغلب از طریق استقرار قواعدی که از غضب اولیه حمایت می‌کنند و به آن شکل قانونی می‌دهند تثبیت می‌شود (بیتهام، ۱۳۸۲: ۷۹). به این ترتیب، حکومت‌ها به بازنمایی تصویر خود در قالب قواعد مشروعیت‌بخشی بر می‌آیند که متأثر از قواعد جامعه و ارزش‌های مشترک با رقبا است. ماکس وبر (Max Weber) این قواعد را در سه منبع سنت (Traditional)، کاریزما (Charismatic) و قانونی-عقلانی (Legal-rational) معرفی می‌کند (وبر، ۱۳۷۴: ۳۹-۳۸). در منبع سنت، مبنای رهبری بر اعتقاد به قداست سنت‌های کهن و رسوم جاری است (همان: ۳۲۴-۳۲۳). کاریزما به قدرت‌های الهی اعطا شده در شخص (ترنر، ۱۳۷۰: ۲۶۸-

(۲۶۷) و منبع قانونی- عقلانی، با انطباق و سازگاری صاحبان قدرت با قواعد مستقر در جامعه حاصل می‌شود (بیت‌هام، ۱۳۸۲: ۳۶).

۴. ارزیابی نظریه‌های سکه‌شناسی دوره ایلخانی

نکته قابل تأملی که همواره در مباحث سکه‌شناسی دوره ایلخانی مورد توجه پژوهشگران بوده؛ ظهور مضامین ایرانی- اسلامی بر سکه‌های حاکمان مغول تبار بودایی مذهب این دوره است. در این رابطه گروهی از محققان، ایلخانان را مقلدانی که یکبار از سر بی‌تمدنی؛ تسلیم فرهنگ و مذهب کشور مغلوب شدند در نظر گرفته و این امر را یک سویه در راستای «تکاپو جهت احیای فرهنگ ایرانی» ایرانیان در برابر قوم مهاجم (بیانی، ۱۳۹۳: ۲۰۱) و «ایرانی شدن» ایلخانان تعبیر کرده‌اند (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۹: ۲۱۶). گروه دیگری نیز، تساهل مذهبی اولیه مغولان را دلیلی برای این امر دانسته‌اند (اشپولر، ۱۳۸۶: ۲۰۳؛ سرفرازی، ۱۳۸۹: ۴۸-۴۹؛ ثواقب و همکار، ۱۳۹۶: ۷). در این تحلیل‌ها انتخاب و به‌کارگیری آگاهانه فرهنگ ایرانی و میانی مذهبی توسط فاتحان، تا حد زیادی مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. در این میان برخی محققان نیز، اشاراتی به تبلیغی بودن آیات اسلامی در سکه‌های ایلخانی داشته‌اند (ترابی طباطبایی، ۱۳۴۷: ۱-۴۷؛ یار احمدی، ۱۳۸۹: ۴۱؛ شریعت‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۳۱-۲۳۰؛ احمدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۸). با این حال تاکنون مطالعه سکه‌ها در قالب یک پژوهش مستقل و همه‌جانبه، با دیدگاه «مشروعیت‌سازی» ایلخانان - که در ادامه مورد تحقیق قرار می‌گیرد- صورت نگرفته است. چرا که منابع ذکر شده، در کنار بیان موارد دیگر تنها به اشاره‌های جسته گریخته‌ای در این راستا اکتفا نموده‌اند.

برای بررسی پیش‌زمینه بروز شعارهای اسلامی بر سکه ایلخانان، ابتدا بایست سکه‌های دوره خوارزمشاهی و چنگیز مورد بررسی قرار گیرد. فقدان نام خلیفه بر سکه‌های دوره اسلامی ایران؛ تا پیش از تشکیل حکومت ایلخانی، حتی در سکه‌های چنگیز نیز بی‌سابقه بود. چنان‌که دیناری ضرب غزنه (۶۱۸ هـ.ق) از وی به جا مانده است که در یک سوی آن نام خلیفه بغداد و در طرف دیگر نام «چنگیزخان» ضرب شده است (تصویر شماره ۱).



تصویر ۱. دینار چنگیز خان (شماره سکه 108; www.cngcoins.com)

این نکته نشان‌گر این است که در آغاز ورود مغولان به سرزمین‌های غربی، خلیفه همچنان در جایگاه سیاسی خود - هر چند تشریفاتی - دارای اعتبار بوده‌است. از سویی مغولان نیز، در پی راه اندازی یک حکومت مستقل هدفمند در فتوحات خود نبوده‌اند. در غیر این صورت، با اهمیت حق ضرب سکه برای خلفا (زیدان، ۱۳۳۳: ۱۲۵) مانند دیگر حکومت‌های جویای استقلال، برای ضرب سکه مستقل پافشاری می‌کردند. این درحالی است که ایلخانان از همان آغاز با از میان برداشتن دستگاه خلافت عباسی، نام قان را جایگزین نام خلیفه کردند. از سویی دیگر، بر حاشیه پشت سکه چنگیز بخشی از آیه ۹ سوره صف^۲ حک شده‌است. این آیه بر درهم آخرین خوارزمشاه مقتدر^۳ و سکه ملکشاه سلجوقی نیز وجود دارد (شماره سکه: 21701, www.numisbids.com). به این ترتیب آیه مورد بحث که مضمون آن مرتبط با اراده الهی در رسالت پیامبر و حقانیت دین اسلام است؛ در تداوم دوران قبل، در سکه‌های چنگیز نیز به کار رفته است.

در نگاهی دیگر اگر حک شعارهای اسلامی بر سکه‌های دوره ایلخانی به‌عنوان تقلیدی صرف از سکه‌های دوره قبل پذیرفته شود؛ احتمال قوی‌تر بر این است که آیه قرآنی موجود بر سکه‌های خوارزمشاه به‌واسطه نزدیکی زمانی، بر سکه‌های اولیه ایلخانان نیز حک می‌شد. چرا که سیاست تساهل مذهبی و رویه تقلید ایلخانان مغول تبار؛ الزامی برای تغییر آیه سکه‌ها، نسبت به دوره قبل ایجاد نمی‌کرد. این در حالی است که آیه موجود بر نخستین سکه‌های هولاکو (۲۶ سوره آل عمران) خلاف این مطلب را نشان می‌دهد. پیشینه کاربرد این آیه در دوران اسلامی به سکه‌های محمدبن طاهر دوم (علاءالدینی، ۱۳۹۴: ۶۳) و احمد بن عبدالله خجستانی (همان: ۱۲۸) می‌رسد. بر مبنای این آیه؛ خداوند به‌عنوان فرمان‌فرمای مطلق، تعیین کننده این است که چه کسی به حکومت برسد. به این ترتیب با توجه به مضمون آیه (که با اعتقادات تقدیرگرایانه فرهنگ مغولی نیز همراستا بوده است)، سابقه کاربرد آن در سکه‌های اسلامی و

شرایط سیاسی وقت؛ وجود آن بر سکه‌های هولاکو بیش از هر چیز در راستای مشروعیت‌سازی حکومت ایلخان، به صورت آگاهانه و هدفدار صورت گرفته است. اگر این نکته در راستای «تکاپوی ایرانیان جهت احیای فرهنگی» نیز پنداشته شود، مضمون آیه این ادعا را به چالش می‌کشد. چرا که در این صورت، این که جناح ایرانی با استفاده از مبانی دین خود، حکومت مغولان را با اراده الهی گره زده و سعی در باورپذیر شدن آن داشته باشند دور از ذهن می‌نماید. بنابراین با توجه به مضامین اسلامی به کار رفته در سکه‌های ایلخانی، بحث تقلیدی بودن آن‌ها چندان قابل اتکا نیست. این نظر تنها می‌تواند در رابطه با سکه‌های مغولی مربوط به چنگیز و پیش از تشکیل حکومت ایلخانی مطرح باشد.

۱.۴ مشروعیت‌سازی در سکه‌های هلاکو (۶۵۷-۶۶۳ هـ ق)

تأسیس حکومت ایلخانی به نوعی با پشتیبانی قان و محصول شرایط سیاسی وقت بود. به احتمال با مرگ منگوقاآن (۶۵۷ هـ ق) و جانشینی قوییلای؛ قان جدید حکومت بر فتوحات را برای هولاکو به رسمیت شناخت و در مقابل او نیز به قوییلای ابراز وفاداری کرد (حسن پور و همکار، ۱۳۹۶: ۲۲۳). به این ترتیب خان بزرگ مغول به هولاکو لقب ایلخان داد که نشانی از تبعیت و پیوند با دربار مرکزی بود (زریاب خویی، ۱۳۶۶: ۴۲).

در این دوره ادعای خاندان جوجی، جنگ‌هایی را به هولاکو تحمیل کرده بود (آیتی، ۱۳۸۳: ۳۷-۳۶). در این راستا فرزندان جوجی با استناد به دستور چنگیز خواسته خود را توجیه می‌کردند (Lane, 2003: 39). به این ترتیب، حمایت قان مشروعیت بیشتری را برای هولاکو فراهم می‌کرد. این مناقشات با به قدرت رسیدن برکه مسلمان، علاوه بر اهداف سیاسی ابعاد مذهبی نیز پیدا کرد (رضوی، ۱۳۸۸: ۶۲). چرا که برکه علیه ایلخانان با ممالیک ارتباط برقرار کرده (مقریزی، ۱۹۵۷، ج ۱: ۴۷۵-۴۸۰) و به این واسطه در مقابل هولاکو، متحدی بر مبنای قوانین اسلامی یافته بود. در این زمان مذهب بودایی هولاکو دستاویز تبلیغات سیاسی رقبا قرار گرفته بود (بیانی، ۱۳۹۳: ۲۶۸) و مشروعیت خاندان جوجی و ممالیک را برای حکومت بر قلمرو ایلخانی و برتری در جهان اسلام افزایش می‌داد.

سیاست هولاکو در برابر حاکمان مصر و شام نیز با شکست نظامی تداوم داشت (مستوفی، ۱۳۶۴: ۵۸۹-۵۹۰). از طرفی بازآفرینی خلافت عباسی در جناح ممالیک (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۵۳) وضع را دشوارتر کرده بود. چنان‌که ممالیک به این واسطه، جنگ در برابر ایلخانان را تکلیف دینی مسلمانان اعلام کرده بودند (مقریزی، ۱۹۵۷، ج ۱: ۴۴۸) و از پشتیبانی مردمی بیشتری برخوردار بودند.

در این میان هولاکو درکنار واکنش‌های نظامی در برابر رقبا، ناگزیر به کسب مشروعیتی متناسب با مفاهیم مغولی و اسلامی بود. به اعتقاد لمبتون مشروعیت حکومت هولاکو از سوی خان بزرگ مغول، در خارج از مرزهای قلمرو اسلامی تصدیق می‌شد (لمبتون، ۱۳۷۲: ۲۷۱). چنان‌که با بررسی سکه‌های هولاکو این امر قابل دستیابی است که سنت‌های مشروعیت‌ساز مغولی با محوریت راهبرد اعلام هم‌بستگی با قان، به سه گونه تأمین شده است: آوردن نام قان به‌جای نام خلیفه، حک تمغای هولاکو و اظهار پشتیبانی قان از عملکرد او.

در نمونه سکه‌های مطالعه شده از هولاکو، نام خان بزرگ مغول در قالب الگوی به‌صورت «قان الاعظم مونککا» مقدم بر نام هولاکو، بر روی سکه‌ها آورده شده است.^۵ به این ترتیب شخصیت قان با صفتی نشانگر منزلت وی، بر سکه‌ها تجلی یافته‌است. به این واسطه تلویحاً این امر نمایان می‌شود که حکومت، تأیید قان را به‌عنوان بلندپایه‌ترین مقام مغولی دارا است. از این رو فقدان نام خلیفه، در چشم مخاطب ایرانی با عنصر جدید مغولی جایگزین شده بود. این امر هر چند برای ایرانیان نامأنوس بود، اما در برابر رقبای مغولی برای هولاکو امتیاز ویژه‌ای محسوب می‌شد. در همین راستا، در برخی موارد پس از ذکر نام «قان بزرگوار»، از هولاکو با عنوان «ایلخان بزرگ داشته‌شده» یاد شده است (شماره سکه: ۷۰۶، www.coinarchives.com). از طرفی عنوان «ایلخان» با توجه به این‌که اعطای قویلیای بود، به حاکم مغول تبار سرزمین‌های غربی، نوعی مشروعیت برگرفته از پشتیبانی قان می‌بخشید.

مورد دیگر این‌که، در نمونه سکه‌هایی که اغلب در مناطق مورد نزاع هولاکو با ممالیک، ضرب شده‌اند؛ علاوه بر ذکر نام قان، پیروزی هولاکو نیز به‌عنوان دستاوردی برای بزرگی بخشیدن به حکومت قان و در راستای خواست او قلمداد شده است. برای نمونه درهمی، ضرب حران (۶۵۹ هـ.ق) در دست است که عبارت: «بقوه الله تعالی و باقبال مونککاقان انفتحت السبته لاختیه هولاکو» به‌معنای: «بواسطه قدرت خداوند بلند مرتبه، و

به اقبال مونککاقان راه ورود به قبیله [؟] برای برادرش هولاکو گشوده شد» بر آن ضرب شده است (شماره سکه: A-2124.B، www.tokakte.dk). در این سکه پس از قدرت و خواست خداوند، اقبال منگوقان که نمودی از همراهی اوست، پشتیبان تصمیم هولاکو برای تسخیر منطقه بیان شده است. در همین راستا، درهمی ضرب دمشق (۶۵۸ هـ ق) موجود است که بر آن عبارت: «الاعظم / مونککاقان / و بسعادته فاتح السبطه (؟) / اخوه هولاکو / زیدت عظمتها^۷» به معنای «منگوقان اعظم / و با سعادت او فاتح قبیله (؟) / او / برادرش هولاکو / بزرگی وی افزون باد» نیز وجود دارد (شماره سکه: Ibid، A-2124). این شعار در راستای نارضایتی هم‌تایان مغولی از تشکیل حکومت ایلخانی تدبیری هوشمندانه بود. چنان‌که در برابر تبلیغات ضد ایلخانی در منطقه، نوعی نیروی کاریزماتیک بر مبنای سعادت و اقبال فاتحان را در ذهن مردم به تصویر می‌کشید. چرا که این مفاهیم به‌خط و زبان عربی حک شده بودند. نکته قابل تأمل در مورد نام قان این است که با توجه به تاریخ مرگ منگوقان، واژه «مونککا» در زمان قانی قویلای نیز بر سکه‌های ایلخانی نقش بسته است. در این رابطه دو فرض قابل طرح است. نخست: این که به‌طور کلی، ابتدا تا مدتی استفاده از سکه فرمانروای پیشین مرسوم بوده و یا بر سکه‌ها سورشارژ^۸ صورت می‌گرفته است. با توجه به تنوع تاریخ ضرب سکه‌ها، آشکار است که سرسکه‌ها از دوره منگو به بعد عوض شده است. به‌علاوه، بر سکه‌ها هیچ علامت یا کتیبه‌ای مبنی بر سورشارژ دیده نمی‌شود. این احتمال را نیز می‌توان در نظر داشت که با توجه به معنی «مونککا»؛ این واژه نه به عنوان نام خان بزرگ مغول، بلکه با مفهوم جاودان در کنار عنوان «قان» ایفای نقش می‌کرده است. به این ترتیب که با توجه به اهمیت تأیید قان، «مونککاقان» در سال‌های پس از مرگ منگو به‌منظور نشان دادن کاریزمای مقام قان معاصر، بر سکه‌ها به‌کار رفته است.

تمغا نمود دیگری از کاربرد منابع سنتی مغولی برای مشروعیت‌سازی هولاکو بود. این نشان برگرفته از ساخت قبیله‌ای جوامع مغولی پیشین بود که از طرف خان مغول به‌عنوان نشانی بر تعلق به خاندان شاهی، از تمغای عمومی قبیله مشتق شده و به خان‌های استقلال یافته اهدا می‌شد (Badrch, 2005: 20-21). بنابراین هولاکو به‌واسطه تمغای خود (تصویر شماره ۲) بر سکه‌ها؛ علاوه بر استقلال نسبی، به پشتیبانی قان و ریشه مشترک خود با خاندان سلطنتی مغول نیز اشاره کرده است.



تصویر ۲. سکه درهم هولاکو با علامت تمغا (شماره سکه: ۷۰۶، www.coinarchives.com)

دیناری از هولاکو ضرب موصل (۶۶۱ هـ ق) موجود است که روی سکه عبارت: «مونکاکان الاعظم / هولاکو خان المعظم / زید عظمته» و در حاشیه آن بخشی از آیه ۲۶ سوره آل عمران آمده است (شماره سکه: H-18، 238، Diler, 2006). در این نمونه به رغم مشروعیت ناشی از پشتیبانی قان به عنوان یک مرجع سنتی، این آیه تأکید بیشتری از سنت‌های اسلامی مورد قبول ایرانیان و رقبای خارجی مسلمان، را به عنوان بخش مشروعیت‌ساز مطرح می‌کند^۹. بر مبنای آیه، خداوند به عنوان فرمانفرمای مطلق، تعیین‌کننده پادشاه برای زمین است. به این ترتیب هولاکو به واسطه این آیه؛ تقدیرگرایی فرهنگ مغولی را در قالب اراده الهی، با زبان و مفاهیم مورد قبول جهان اسلام انتقال داده و حاکمیت وی به عنوان خواست خداوند بر ذهن مخاطب مسلمان القا شده است.

دیناری از این دوره در دست است که احتمالاً در موصل (۶۵۴ هـ ق) ضرب شده و عبارت: «قان الاعظم مونکاکان / هولاکو خان مالک رقاب الامم خلد ملکهما» به خط عربی بر آن آمده است (شماره سکه: ۸۹۴، www.numisbids.com). واژه «الامم» جمع کلمه امت به معنای «گروه‌های انسانی» در زبان عربی است. در این نمونه پس از ذکر نام قان، نام ایلخان با عنوان «دارنده گردن‌های امت‌ها» بر آن آمده است که ادعای مالکیت هولاکو بر اشخاص و امت‌ها^{۱۰} را تصدیق می‌کند. به این ترتیب جایگاه ایلخان را برای مخاطب، به عنوان حاکم صاحب اختیار نسبت به جان و مال رعیت خود محرز می‌کند. در آخر نیز عبارت دعایی «خلد ملکهما»، جاودانگی فرمانروایی آن‌ها را که به معنای فرمانروایی برای قان و ایلخان است بیان می‌کند. این مسئله بار دیگر تداوم خواست و حکومت قان در حکومت هولاکو را تأیید می‌کند. فلوسی از هولاکو ضرب حماه (۶۵۸ هـ ق) موجود است که با نقش خورشید تزیین شده و سجع روی آن به این قرار است: «المَلِک الارض هولاکو» (شماره سکه: www.tokakte.dk, A-2125.5). به این ترتیب شمول سروری هولاکو نه تنها

به جامعه مسلمانان، بلکه به سرتاسر زمین گسترش می‌یابد. از سویی دیگر، نکته قابل تأمل در مورد این سکه‌ها وجود زبان عربی - به‌عنوان زبان بومی منطقه - است که فرض مشروعیت‌سازی و تبلیغی بودن شعارها را قوت می‌بخشد.

۴.۲ مشروعیت‌سازی در سکه‌های اباقا (۶۶۳-۶۸۰ هـ ق)

به‌طور کلی شرایط پیچیده پس از مرگ هولاکو انتخاب‌های سختی را در رقابت‌های خارجی و داخلی، برابر اباقا گذاشته بود. از یک سو درگیری با اولوس جوجی (همدانی، ۱۳۷۳، ج ۳: ۱۰۶۲-۱۰۶۳) و جغتای، از سوی دیگر قدرت‌گیری روزافزون ممالیک در منطقه شامات عرصه را بر اباقا تنگ‌تر کرده بود. در مواردی نیز اولوس‌های مغولی علیه ایلخان با یکدیگر متحد می‌شدند (مستوفی، ۱۳۶۴: ۶۱۲). این رخدادها اباقا را ملزم می‌کرد تا مشروعیت حکومت خود را بیش از هر چیز به‌واسطه سنت‌های مغولی نشان دهد. در سکه‌های اباقا این نکته با بروز خط ایغوری در نگارش نام ایلخان^{۱۱}، به‌کار بردن نام قان و پیوند قدرت ایلخان با اراده او در کنار مفاهیم ایرانی و شعارهای اسلامی صورت گرفته است. دیناری ضرب تبریز (۶۶۷ هـ ق) موجود است که عبارت «خاقانو اریبا اباقائین دلدگگولوک سن» به‌خط ایغوری به‌معنی «سکه توسط اباقا به نیابت از طرف خان بزرگ ضرب شده است»^{۱۲} بر آن مشهود است (شماره سکه: C176, www.davidmus.dk). بر مبنای این عبارت حکومت ایلخان به‌عنوان قدرت ضرب‌کننده سکه، با خواست قان مشروع گردیده است. در این مورد نیز با توجه به خط ایغوری این شعار، می‌توان مغولان را مخاطب آن دانست.

در مرآده با ممالیک، اباقا نخست پیغام صلح‌آمیزی برای بیبرس فرستاد (۶۶۷ هـ ق) که توفیقی از آن حاصل نشد (وصاف، ۱۳۳۸: ۸۸-۹۰) وی در آن پیغام؛ خود را به‌جای ایلخان، سلطان اباقا معرفی کرده بود (ابن کثیر، ۱۳۵۱، ج ۱۳: ۲۵۴). سلطان، لقب اختصاصی حاکمان مسلمان بوده است. کاربرد این لقب برای اباقای بودایی در نامه به رقیب مسلمان خود، فرض این پژوهش را تا حد قابل تأملی در رابطه با سیاست مشروعیت‌سازی ایلخانان پاسخگو است. این نکته بر فلوسی از اباقا با شعار «شاه عالم؟) سلطان الاعظم اباقا» نیز، قابل مشاهده است (شماره سکه: A-2131-5, www.totakt.com). در این نمونه‌ها تصویر بلند پروازانه اباقا به‌عنوان «شاه عالم» برای ایرانیان و «سلطان الاعظم» در سروری جهان اسلام مطرح شده است. در این زمان بیبرس که به‌واسطه قدرت و نفوذش، به‌عنوان رهبر و منجی جهان اسلام شناخته شده بود، گروه‌های مخالف را در قلمرو ایلخانی

تحریک می‌کرد (مقریزی، ۱۹۵۷، ج ۱: ۵۰۲-۵۱۴) و به این ترتیب سعی در متزلزل کردن حکومت اباقا داشت. در این رابطه، بروز آیه ۲۶ سوره آل عمران بر حاشیه درهمی ضرب بغداد (۶۶۸ هـ ق)، مشروعیت کاریزماتیک اباقا را بر مبنای قوانین اسلامی مدنظر قرار داده است. در این سکه ضمن اشاره به قان، اباقا با عناوین ایرانی و مغولی «پادشاه عالم» و «ایلخان المعظم» معرفی شده است^{۱۳} (تصویر شماره ۳).



تصویر ۳. سکه درهم اباقا (شماره سکه: ۰۰۰۱۰۱۲۲۲۱، بایگانی موزه بانک سپه)

هر چند اباقا با مادر و همسری مسیحی پرورش یافته بود اما برای تحکیم حاکمیت خود در مناطق مسیحی نشین شمالی، نفوذ سیاسی در امپراتوری بیزانس و کسب حمایت غرب مسیحی برای نبرد با شام (بیانی، ۱۳۹۳: ۷۱) نیز ناگزیر به جانبداری از آنان بود. از سویی دیگر حملات دو اولوس مغولی در سرحدات شرق و شمال شرقی نیاز به متحدان مسیحی را برای اباقا پررنگ تر کرده بود (ساندرز، ۱۳۶۱: ۳۰۲). به این ترتیب می‌بایست در داخل و خارج از آن‌ها پشتیبانی می‌کرد. این نکته با بروز علامت صلیب و شعار مسیحی «بسم الاب و الابن و روح القدس» بر سکه‌های ضرب تفلیس صورت پذیرفته بود (تصویر شماره ۴). به این واسطه ایلخان با وجود گرایش مذهبی متفاوت، در نظر مردم؛ دوست‌دار و پشتیبان مسیحیان تعریف شده است. این سکه‌ها مربوط به مناطق مسیحی نشین است. بنابراین سکه هر منطقه در ارتباط با گرایش مذهبی اکثریت مردم آن ضرب شده و این به‌نوعی همراهی ایلخان با مردم را به آنان القا می‌کرده است. بررسی‌های بیشتر در سکه‌های حاکمان مغولی پیشین^{۱۴} در این منطقه (علاءالدینی، ۱۳۹۵: ۲۵) نشان می‌دهد که تا پیش از این، سکه‌ها شعار یا نمادی از مسیحیت را - به‌عنوان نمود دینی اکثریت مردم منطقه - بر خود نداشته‌اند. به این ترتیب بار دیگر فرض انتخاب شعارهای مشروعیت‌ساز برای سکه‌ها قوت می‌گیرد.



تصویر ۴. سکه درهم اباقا (شماره سکه: www.davidmus.dk, C 526)

سرکشی عده‌ای از اسماعیلیان (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۳، ج ۹: ۷۵۴) و قیام شمس‌الدین کرت (همدانی، ۱۳۷۳، ج ۳: ۱۱۰۷) وضعیت عرصه داخلی را نیز ناآرام کرده بود. به این ترتیب اباقا در این شرایط حساس ناگزیر بود در کنار سنت‌ها و قوانین اسلامی، همخوانی بیشتری نیز با ایرانیان نشان دهد. ساخت کاخ در جایگاه آتشکده شاهی ساسانی در تخت سلیمان که حکومت ایلخان را در تداوم شاهان ایرانی پیش از اسلام مورد توجه قرار می‌داد، یکی از نمودهای این امر بود (ناومن، ۱۳۸۲: ۸۳). این امر در سکه‌های دوره اباقا با لقب «شاه/ پادشاه» برای ایلخان به چشم می‌خورد^{۱۵}. نکته قابل تأمل، این که در نمونه‌های مطالعه شده از این دوره، القاب ایرانی اغلب بر سکه‌های فلس و درهم‌های اباقا وجود دارند. این امر با توجه به این که فلوس (وثیق، ۱۳۷۸: ۱۵۵) و درهم‌ها، سکه‌هایی برای داد و ستدهای روزمره مردم عادی و شمول آن بیشتر در داخل کشور بوده (بارتولد، ۱۳۷۶: ۱۹۳) جالب توجه است. چرا که اغلب، دینارها در مبادلات بازرگانی فرامنطقه‌ای مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند (همدانی، ۱۳۷۳، ج ۳: ۱۰۵۶).

۳.۴ مشروعیت‌سازی در سکه‌های احمد تکودار (۶۸۱-۶۸۳ هـ ق)

با به حکومت رسیدن تکودار، میان اشراف و بزرگان مغولی دودستگی ایجاد شد. به این ترتیب که در کشمکش‌های جانشینی اباقا، عده‌ای از امرا تکودار را به جای ارغون به ایلخانی رسانده بودند (اقبال، ۱۳۸۴: ۲۲۱) و این زمینه نارضایتی ارغون و برخی درباریان را فراهم کرده بود. به علاوه سرکشی فرمانروای روم برای تصاحب ایلخانی نیز منجر به بی‌اعتمادی ایلخان نسبت به جناح مغول شده بود (وصاف، ۱۳۳۸: ۱۲۵). از سویی دیگر، تکودار نخستین ایلخان مسلمان بود (همدانی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۱۱۲۵-۱۱۲۶) و این امر دشمنی امرا و شاهزادگان مغول را تشدید کرده (وصاف، ۱۳۳۸: ۱۱۸) و ضرورت

مشروعیت‌سازی بر مبنای سنت‌های مغولی را برای تکودار افزایش می‌داد. در رقابت با ممالیک؛ ناتوانی ایلخان برای رویارویی نظامی، نیاز به سیاست مذهبی جدیدی را مطرح می‌کرد. به این ترتیب تکودار که دیگر سلطان احمد خوانده‌می‌شد، در پی برقراری روابط دوستانه با مصر برآمد (مقریزی، ۱۹۴۱، ج ۲: ۱۵۷) که توفیق چندانی نیز دربرداشت. از این رو همچنان ضرورت استفاده از سنت‌ها و قوانین مشروعیت‌ساز اسلامی احساس می‌شد. به این واسطه در دوره کوتاه حکومت تکودار، نام قان بر سکه‌ها به‌عنوان «قان عادل»^{۱۶}، «قان الاعظم»^{۱۷} و منشأ قدرت ایلخان^{۱۸} (به‌خط ایغوری) مطرح بود. در این سکه‌ها نام اسلامی احمد در ازای نام مغولی تکودار برای معرفی ایلخان، نقش شده است. به این ترتیب سنت‌های مغولی موازی با نمودهای اسلامی ظاهر شده‌اند. چنان‌که در شعارهای مغولی مبنی بر نیابت سلطنت احمد از سوی قان نیز عنوان «احمدون» برای ایلخان رعایت شده است (شماره سکه: www.totakt.dk, A-2138). بر درهمی ضرب ارومیه نیز این شعار مغولی همراه نام احمد با لقب سلطان؛ به‌معنی فرمانروای مسلمان به‌خط عربی نوشته شده است (تصویر شماره ۵). در این رابطه تنها در فلوس ضرب سینجار (۶۸۱ هـ ق) نام احمد با عنوان «ایلخان المعظم» آورده شده است (شماره سکه: Ibid, A-2143B).



تصویر ۵. سکه احمد تکودار (شماره سکه: Ibid, A-2139.M)

درهمی ضرب تفلیس از احمد موجود است که نشان می‌دهد مضامین مسیحی در سکه‌های این دوره همانند دوره اباقا، تنها در مناطق مسیحی نشین ضرب شده‌است.^{۱۹}

۴.۴ مشروعیت‌سازی در سکه‌های ارغون (۶۸۳-۶۹۰ هـ ق)

هر چند ارغون پس از یک دوره رقابت با احمد؛ با تأیید قوریل‌تای به ایلخانی رسیده بود. اما همچنان، سرکشی امیران مغول^{۲۰} مهم‌ترین تهدید حکومت او محسوب می‌شد. این نکته، لزوم کسب مشروعیت بر مبنای سنت‌های مغولی را برای ایلخان افزایش داده بود. چنان‌که

در برخی سکه‌ها انتساب قدرت ایلخان به قان^{۲۱} به‌خط ایغوری و آوردن نام قان^{۲۲} به‌خط فارسی، در این راستا مشهود است.

در این دوره علاوه بر تجدد بودایی‌گری، قدرت‌گیری عناصر مغولی و یهودی نیز منجر به حاشیه‌راندن اسلام و سرکوبی مسلمانان شده‌بود (بیانی، ۱۳۹۳: ۱۹۷-۲۰۰). از سویی، هر چند در مراودات ایلخانان و ممالیک جنگ مستقیمی در میان نبود اما اختلافات طرفین در هاله‌ای از جنگ سرد برجا بود (اشپولر، ۱۳۸۶: ۲۳۳). با این حال مفاهیمی بر مبنای قواعد و سنت‌های اسلامی همچنان در کنار نمودهای مغولی، بر سکه‌ها به‌کار رفته‌است. برای نمونه، بر فلوسی ضمن شعار ایغوری، جایگاه ایلخان با عنوان «السلطان ارغون» در کنار شعار اسلامی «لا اله الا الله محمد رسول الله» تصویرسازی شده است (شماره سکه: www.totakt.dk, A-2157). همچنین بر سکه‌ای دیگر، آیه ۲۶ سوره آل‌عمران نیز در کنار شعار ایغوری حک شده است (ترابی طباطبایی، ۱۳۵۱: ۴۰). بیانی این نوع سکه‌ها را ناشی از میدان یافتن دیوان‌سالاران ایرانی پس از قتل سعدالدوله می‌داند (بیانی، ۱۳۹۳: ۲۰۱). از دیگر سو، مفاهیم شیعی نیز با عبارت «علی ولی الله» برای نخستین بار در دوره ایلخانی، بر سکه‌های ارغون نمود یافته‌است (تصویر شماره ۶). این نمونه که به احتمال ضرب استرآباد در ۶۸۶ هـ ق است، با توجه به اسلام‌ستیزی ارغون؛ در راستای پویایی تشیع در اواسط حکومت او و ضرب سکه متناسب با گرایش‌های مذهبی مردم منطقه، قابل تأمل است.



تصویر ۶. سکه درهم ارغون (شماره سکه: www.totakt.dk, A-2149.1)

ارغون برای مقابله با ممالیک در تلاش بود تا صلیبیان را علیه آنان تحریک کند (اشپولر، ۱۳۸۶: ۲۳۴). در این رابطه درهمی ضرب تفلیس موجود است که بر روی آن عبارت ایغوری مبنی بر منشأ قانی قدرت ارغون، نام وی به‌خط عربی و در طرف دیگر، علامت صلیب و شعار مذهبی مسیحیان حک شده‌است (شماره سکه: ۵۶۰؛ www.numisbids.com). سرفرازی این سکه‌ها را مربوط به دوره اول حکومت ارغون و

در راستای قدرت‌گیری دیگر ادیان در برابر مسلمانان در نظر گرفته‌است (سرفرازی، ۱۳۸۹: ۵۵). این در حالی است که هر چند سکه مطالعه شده در این پژوهش؛ فاقد تاریخ ضرب است و نمی‌توان در این مورد نظر قاطعی ارائه کرد، اما نکته قابل تأمل در رابطه با محل ضرب سکه این است که همچون سکه‌های مسیحی دو ایلخان قبلی، در منطقه مسیحی‌نشین ضرب شده‌است. در این راستا، نمی‌توان روابط منفعت‌طلبانه ایلخان با مسیحیان را در ضرب آن بی‌تأثیر دانست. به این ترتیب به‌رغم مطالبی که متون تاریخی از قدرت‌گیری ادیان مسیحیت، یهودیت و ضدیت با اسلام در دوره ارغون آورده‌اند؛ شعارهای مذهبی سکه‌ها بیش از هر چیز از سیاست مشروعیت‌سازی حکومت حکایت می‌کنند.

۴.۵ مشروعیت‌سازی در سکه‌های گیخاتو (۶۹۰-۶۹۴ هـ ق)

با مرگ ارغون اغلب امرای مغول با ایلخانی گیخاتو بودایی مذهب موافق شدند. مدتی پس از آن؛ نام ایلخان به توصیه بخشیان، در مکتوب «ایرینجین تورجی»^{۳۳} نوشته شد (همدانی، ۱۳۷۳، ج ۳: ۱۱۹۱-۱۱۹۲). در آغاز فرمانروایی گیخاتو عصیان‌هایی بوجود آمد و افرادی از جمله بایدو در سودای سلطنت (وصاف، ۱۳۳۸: ۲۷۷-۲۷۸) و تسخیر قلمرو برآمدند (ابن‌خلدون، ۱۳۸۸، ج ۴: ۶۰۱) که حکومت را دچار بحران کرده بود. به‌طور کلی تنوع سکه‌های موجود از دوره گیخاتو محدود است که علت آن شاید با نقصان سیستم پولی کشور و رواج مقطعی چاو در دوره کوتاه حکومت او، بی‌ارتباط نباشد. با این همه سنت‌های مشروعیت‌ساز مغولی برای گیخاتو در برابر رقبای مغولی اهمیت زیادی داشت. چنان‌که بر دیناری ضرب تبریز، عبارت «خاقانو اریبا ارینجین تورجی دلکدگولوک سین» به‌خط ایغوری و «ایرینجین تورجی» به عربی (شریعت‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۳۲) برای شناساندن ایلخان و به‌عنوان منشأ مشروعیت‌بخش آمده است. درهمی ضرب همدان (۶۹۴ هـ ق) موجود است که نام قان و لقب مغولی گیخاتو به‌خط ایغوری بر روی آن و عبارت «السلطان ارینجین تورجی» بر پشت آن حک شده که در راستای کاربرد سنت‌های اسلامی و مغولی برای ارائه تصویر مشروعی از ایلخان قابل توجه است (شماره سکه: A-2163، www.totakt.com). درهم دیگری با لقب مغولی گیخاتو ضرب تفلیس موجود است که شعارهای مسیحی بر خود دارد و

نام ارغون به‌عنوان ایلخان متصدی قدرت قان بر آن قرار گرفته (شماره سکه: Ibid، A-2160). به احتمال این سکه، سورشارژی از سکه ایلخان پیشین بوده‌است.

۴.۶ مشروعیت‌سازی در سکه‌های بایدو (۶۹۴ هـ ق)

با مرگ گیخاتو، بایدو به رأی امرای مغول به‌تخت نشست. از آغاز ایلخانی بایدو، غازان که حکومت را حق خود می‌دانست سر به عصیان برداشت و اعلام جنگ کرد (همدانی، ۱۳۷۳، ج ۳: ۱۲۴۴-۱۲۴۵). به این ترتیب مهم‌ترین دغدغه سیاسی دوره کوتاه زمامداری بایدو را می‌توان کارشکنی غازان، رقیب مغولی وی دانست. سکه‌های محدودی از دوره حکومت چند ماهه بایدو به‌جا مانده که بیش از هر چیز، بهره‌وری از سنت‌ها و قوانین مشروعیت‌ساز مغولی در آن‌ها روشن است. چنان‌که درهمی (۶۹۴ هـ ق) موجود است که با آوردن شعار مغولی مرسوم^{۲۴}، در کنار عبارت «لا اله الا الله محمد رسول الله» و نام بایدو به خط عربی، منشأ قدرت ایلخان را خواست قان عنوان کرده‌است (علاءالدینی، ۱۳۹۵: ۲۰۰). به این ترتیب دو منبع سنت‌های مغولی و قوانین اسلامی در کسب مشروعیت برای او به‌کار رفته است.

۴.۷ مشروعیت‌سازی در سکه‌های غازان (۶۹۴-۷۰۳ هـ ق)

مشکلاتی که غازان در آغاز حکومت خود با آن مواجه بود، بیش از هر چیز به عناصر مغولی مرتبط می‌شد. غازان برای جانشینی پدر، با موانعی چون گیخاتو و بایدو مواجه شده بود. به این ترتیب پس از ایلخانی تصمیم گرفت تا راهبرد متفاوتی برای کاستن از وابستگی به نژاد مغولی برگزیند. از این رو مسلمان شد (همدانی، ۱۳۷۳، ج ۳: ۱۱۴۳-۱۱۴۵). در این راستا از یک سو جایگاه غازان در جامعه ایرانی مسلمان ارج یافت و از سویی دیگر به دشمنی بسیاری از امرا و شاهزادگان مغول با غازان انجامید (وصاف، ۱۳۳۸: ۳۲۷-۳۲۸). در رقابت‌های خارجی نیز، میان جناح ایلخانی و ممالیک چندین رویارویی نظامی رخ داد (همدانی، ۱۳۷۳، ج ۳: ۱۲۹۳-۱۲۹۹) که پیروزی پایداری برای ایلخان در پی نداشت. در این میان فرزندان جوجی نیز همچنان به قلمرو ایلخانان حمله می‌کردند (وصاف، ۱۳۳۸: ۳۹۸-۴۰۱).

غازان که با مسلمان شدن قدم بزرگی برای مشروعیت خود در میان ایرانیان و مسلمانان برداشته بود؛ تغییراتی نیز در سکه‌ها ایجاد کرد. به این ترتیب که نام قان از سکه‌ها حذف و عبارت «تنگرین کوجوندور غازانو دلدگگولوک سن» به معنی «این سکه به یاری خداوند توسط غازان ضرب شده است»، جایگزین آن شد. از این رو غازان تعریف منشأ قدرت خود را از خواست خان بزرگ، به خواست «تانگری» خدای یگانه^{۲۵} تغییر داده بود.^{۲۶} به این ترتیب شعار مشروعیت‌ساز جدیدی در دوره ایلخانی مطرح شد که محصول شرایط سیاسی بود. این شعار که همچون نمونه‌های قبل، به خط ایغوری و به منظور مخاطبان مغولی نقر شده بود؛ هر چند وابستگی حاکمیت ایلخان را از قان حذف کرد. اما همچنان به مدد کاریزمای مورد پذیرش شمن‌گرایی مغولی، تصویر مشروعی را برای غازان ترسیم می‌کرد. در سکه‌های این دوره بر مبنای سنت‌های ایرانی و اسلامی، غازان با عناوینی چون: سلطان الاعظم قازان محمود^{۲۷}، غازان محمود پادشاه اسلام^{۲۸} و پادشاه اسلام شهنشاه اعظم قازان خان^{۲۹} تعریف شده است. بر این اساس بازنمایی تصویر ایلخان بر مبنای سنت‌های اسلامی قدرتمندتر از پیش مورد توجه قرار گرفته که عناوینی چون «سلطان» و «پادشاه اسلام» در این راستا هستند. با این تفاوت که «پادشاه اسلام» علاوه بر معیار اسلامی، به واسطه عنوان «پادشاه» بر سنت‌های ایرانی نیز استوار است (تصویر شماره ۷).



تصویر ۷. سکه دینار غازان، (شماره سکه: A-Y2169؛ www.tokakt.dk)

از سویی دیگر عنوان «شهنشاه»^{۳۰} نیز که به نوعی برتری غازان از دیگر شاهان تاریخی را نمایش می‌دهد، در همین رابطه قابل توجه است. به علاوه نکته جدید دیگری که در برخی سکه‌های این دوره بروز نموده، ظهور عبارتی چینی^{۳۱} به معنای «امپراتور جهان» است (Diler, 2006: 26) (تصویر شماره ۸). به عقیده اشپولر با استقلال غازان، روابط ایلخان با دربار مرکزی به پایان نرسیده بود (اشپولر، ۱۳۸۶: ۲۷۱). از این رو شاید بتوان عبارت چینی

سکه‌ها را تعریفی برای هویت غازان به عنوان حاکمی از تبار مغول و تأکید بر حفظ وابستگی‌های قومی وی اتلاق کرد.



تصویر ۸ سکه نیم درهمی غازان با عبارت چینی، (شماره سکه: A-2174؛ www.tokakt.dk)

۴۸ مشروعیت‌سازی در سکه‌های الجایتو (۷۰۳-۷۱۶ هـ ق)

رخدادهای سیاسی دوره الجایتو بیش از هر چیز با محوریت اسلام پیش می‌رفت و به این ترتیب منابع مشروعیت‌ساز نیز بیش از دیگر موارد به آن وابسته بود. اولجایتو که در کودکی غسل تعمید یافته بود؛ به تشویق همسرش به اسلام در آمد (کاشانی، ۱۳۸۴: ۹۵). در ابتدا مذهب حنفی را اختیار کرد، سپس شافعی و مدتی بعد به تشیع گرایید (وصاف، ۱۳۳۸: ۴۷۱) اما در رسمی کردن آن به واسطه مخالفت مردم و امرا ناکام ماند (شبانکاره‌ای، ۱۳۷۶، ج ۲: ۲۷۲).

در جبهه اختلاف با ممالیک میان طرفین جنگ‌هایی در گرفت که برای جناح ایلخان توفیقی نداشت (کاشانی، ۱۳۸۴: ۱۴۷-۱۴۲). به این ترتیب بنا بر سیاست‌های خارجی و شرایط داخلی؛ مشروعیت‌سازی برای الجایتو اغلب با سنت‌های اسلامی در قالب استفاده از القاب اسلامی، آیات قرآنی و نام بزرگان مذهبی برای نشان دادن گرایش و همراهی ایلخان با گروه‌های مذهبی و گفتمان قانونی غالب بر جامعه صورت گرفته است. برای نمونه روی درهمی ضرب واسط (۷۰۴ هـ ق) بخشی از آیات ۲۹ سوره فتح و ۵۵ سوره نور نقش بسته است^{۳۳} (علاءالدینی، ۱۳۹۵: ۱۶۴). در تفسیر این آیات، به حضرت علی (ع) و ظهور موعود و وعده خداوند برای حکومت نهایی صالحان اشاره شده است. به این ترتیب مفهوم این آیه (۵۵ نور) به نوعی حاکمیت سلطان نجات دهنده دنیا و دین^{۳۳} را از نظر قوانین اسلامی و با مفهومی از اراده الهی مشروع جلوه می‌دهد. چنان‌که آوردن نام خلفای راشدین

بر آن نیز در این راستا قابل تأمل است. درهم دیگری ضرب سلطانیه (۷۱۰ هـ ق) موجود است که مربوط به دوره شیعه شدن الجایتو است. در این سکه که حاوی صلوات بر دوازده امام شیعه و بخشی از آیه ۴ سوره روم است، ایلخان با عنوان «السلطان الاعظم مالک رقاب الامم غیاث الدنیا و الدین سلطان محمد اولجایتو» معرفی شده است. به این ترتیب علاوه بر مقام حاکم مسلمان و «نجات دهنده دنیا و دین» بودن، کفایت وی برای سروری بر جهان اسلام به واسطه «صاحب جان امت‌ها» بودن نیز مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین عبارت «الجایتو سلطان» به خط ایغوری بر روی این سکه مشهود است (همان: ۱۸۰). این عبارت که تنها نمود ایغوری سکه‌های این دوره است در راستای قانون‌مداری ایلخان از سنت‌های مغولی و معرفی خود به رقبای مغولی دارای اهمیت است. خصوصاً این‌که الجایتو فارغ از عنوان خان یا ایلخان با حفظ هویت اسلامی خود در قالب سلطان، تنها با نام مغولی (الجایتو) خود به دیگر هم‌نژادان معرفی شده است.

۴.۹ مشروعیت‌سازی در سکه‌های ابوسعید (۷۱۶-۷۳۶ هـ ق)

در دوره ابوسعید حکومت با تشنج‌های داخلی و خارجی بسیاری مواجه بود. یساور (مستوفی، ۱۳۶۴: ۶۱۲) و اوزبک از اولوس جغتای نامنی‌هایی را پدید آورده بودند (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۳، ج ۹: ۷۴۴). از سویی دیگر شورش گروهی از امرا (براون، ۱۳۳۹: ۷۰)، حکمران خراسان (اقبال، ۱۳۸۴: ۳۴۳-۳۴۱) و سرکشی مذهبی-سیاسی تیمور تاش (وصاف، ۱۳۳۸: ۶۳۹) از مسائل پیش‌روی حکومت بود. در این دوره پس از سال‌ها درگیری با مصر، سرانجام با کاهش قدرت دو جناح پیمان صلحی بسته شد (۷۲۳ هـ ق) (براون، ۱۳۳۹: ۷۱). به این ترتیب بیشترین دغدغه حکومت در جناح داخلی بود. در سکه‌های موجود از ابوسعید نیز همچون الجایتو، هم‌راستا با کمرنگ‌تر شدن نقش حکومت مرکزی مغول، نشانه‌های مغولی در سکه‌ها به ذکر نام ایلخان به خط ایغوری تقلیل یافته است. با این حال آیات قرآنی و سجع‌های فارسی و اسلامی، همچنان کاربرد داشته است. چنان‌که درهمی (۷۱۹ هـ ق) از ابوسعید موجود است که بر حاشیه روی آن آیه ۴ سوره فتح و بر حواشی پشت سکه و آیه ۲۹ همان سوره، بخشی از آیه ۱۳۷ سوره بقره، عبارت «لا اله الا الله محمد رسول الله» و نام خلفای راشدین حک شده است (شماره سکه: www.totakt.dk, A-2199A). در برخی سکه‌ها ابوسعید با لقب «السلطان العالم العادل»^{۳۴}، «السلطان الاعظم ظل الله فی العالم/ابوسعید (به خط ایغوری)

بهادر خان^{۳۵} تعریف شده است. در این مورد به‌رغم استفاده از لفظ سلطان در ارتباط با سنت‌های اسلامی، استفاده از وجهه کایز ماتیک مقام سلطان به‌عنوان سایه خدا بر زمین در سکه‌های ایلخانی بروز یافته است. از طرفی، شمول سروری سلطان به «عالم» به‌واسطه عدالت او، سنت اسلامی را در کنار ویژگی‌های عقلانی برای مخاطبان مطرح می‌کند. این نکته همچنین در لقب «بهادر خان» که نشانی از شجاعت و پیروزی سلطان بوده است نیز جالب توجه است.

۵. نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاکی از این است که مضامین سکه‌های ایلخانی در راستای مشروعیت‌سازی برای حکومت تنظیم شده‌اند. به این ترتیب که منبع کاریزما بر سکه‌ها در دو نمود فرهنگی مغولی و اسلامی؛ به‌صورت اعطای قدرت از سوی «تانگری» (مغولی)، اراده الهی در قدرت یافتن (به‌واسطه آیات قرآنی) و جایگاه ظل الهی (اسلامی) برای ایلخان مطرح شده بود. در ارتباط با مشروعیت‌سازی به‌واسطه سنت، می‌توان از سه جریان مغولی، ایرانی و اسلامی یاد کرد. در سنت مغولی موجود بر سکه‌های ایلخانی، مشروعیت ایلخان با آوردن نام شخص قان، عنوان ایلخان، تمغا و معرفی قان به‌عنوان اعطا کننده و منشأ قدرت قابل توجه است. در سنت اسلامی؛ مشروعیت‌سازی به‌واسطه لقب «سلطان» در کنار نام ایلخان مورد توجه قرار گرفته بود. در ارتباط با سنت ایرانی نیز، مضامین برگرفته از شهریار ایرانی، در قالب آوردن لقب‌های «شاه، شهنشاه و پادشاه» در معرفی ایلخان مورد توجه بوده است. لازم به ذکر است که در مواردی نیز این منابع با یکدیگر ترکیب شده‌اند (برای نمونه عنوان شهنشاه اسلام در سکه‌های غازان). منابع مشروعیت‌بخش قانونی - عقلانی نیز در بعد قانونی با مواردی چون: حک آیات قرآن، نام مشاهیر و شعارهای اسلامی، آوردن شعارهای مسیحی و چینی، ذکر پشتیبانی قان از اعمال حاکم و نام ایلخان به‌خط ایغوری بر سکه‌ها نقش شده است. این مفاهیم در مجموع به‌نوعی تبعیت ایلخان از قوانین مذهبی و قومی را مطرح می‌کرده است. در بعد عقلانی نیز صاحب‌اختیاری ایلخان در برابر مردم و نجات‌دهنده دین بودن و صفاتی چون عدالت و بهادری برای مشروعیت او در برابر مردم مورد توجه قرار گرفته است. به این ترتیب سکه‌ها به‌واسطه انعکاس این مضامین، تصویری مشروع از ایلخانان همسو با باورهای مردم و اعتقادات مورد نزاع، ارائه می‌کردند.

از سویی انتخاب آگاهانه مضامین روی سکه‌ها، اغلب در راستای بحران‌های سیاسی وقت شکل گرفته است. به این ترتیب که در شرایط بحران مبانی مورد تأکید رقیب، دستاویز حکومت برای ساخت تصویری مشروع از ایلخان بوده است. این تصویر که لزوماً بر مبنای واقعیت اخلاقی ایلخان نبود؛ بنا بر صلاح دید سیاسی وقت از اعتقادات قومی، مذهبی و ملی مردم تحت سلطه و رقبای حکومت تبعیت می‌کرد. چنان‌که در سکه‌های هولاکوی بودایی مذهب آیه قرآنی (۲۶ آل عمران) بر پایه مشروعیت الهی نقر شده است. به این ترتیب هر چه چالش‌های پیش روی حکومت به اتحاد و جلب نظر مسلمانان، ایرانیان و اشراف مغولی نیاز پیدا می‌کرد؛ به همان میزان نیز استفاده از منابع مشروعیت‌ساز این گروه‌ها در سکه‌ها در موازات دیگر مفاهیم بروز می‌یافت.

بر اساس دستاوردهای این پژوهش؛ دو جریان اصلی فرهنگ اسلامی و مغولی در فرآیند مشروعیت‌سازی بر سکه‌های ایلخانی نمود گسترده‌تری داشته‌اند (جدول شماره ۱). چنان‌که سنت‌ها و قوانین اسلامی را می‌توان بخش جدایی‌ناپذیر سکه‌ها در دوره مسلمانان ایلخانان و پیش از آن به حساب آورد. این در حالی است که بروز سنت‌های ایرانی در ساخت تصویر ایلخان مشروع؛ تنها در سکه‌های اباقا، غازان و ابوسعید مشهود است. به این ترتیب سنت‌های ایرانی به‌عنوان یک جریان پویا در راستای «ایرانی شدن ایلخانان» در فرآیند مشروعیت‌سازی سکه‌های این دوره قابل طرح نیست. روند مشروعیت‌سازی به‌واسطه مفاهیم اسلامی نیز به‌گونه‌ای بود که در اواخر این دوره؛ گفتمان غالب از قدرت مشروع در منطقه، به افزایش منابع کاریزماتیک و عقلانی اسلامی در سکه‌ها منجر شده بود. به‌گونه‌ای که از دوره حکومت غازان به بعد، این منابع به‌شکل بی‌سابقه‌ای بر کتیبه سکه‌ها مورد توجه قرار گرفتند. در این زمان هر چند نقش فرهنگ مغولی در سکه‌ها به‌واسطه کاهش قدرت مرکزی و استقلال ایلخانان، به منابع کاریزماتیک و قانونی تقلیل یافته بود، اما همچنان پویایی خود را در راستای صلاح سیاسی حفظ کرده بود.

عقلائی		قانونی							سنت					کارزما					
کفایت	اسلامی	مسیحی	چینی	اسلامی	منغولی			ایرانی	اسلامی	منغولی				اسلامی	منغولی				
عدالت / بهادری	غیث الدنیا و الدین	مالک رقاب امم	صلیب و تثلیث	سلطان	مشاهیر اسلامی	شعار اسلامی	نام ایغوری	حمايت قان	عنوان قان	شاه	سلطان	قان منشا فطرت	نام قان	تمغا قان	ایلخان	ظلاله	لراده الهی	تأنگری	
		*			*	*		*	*		*		*		*		*		هولاکو
			*			*	*		*	*	*	*			*		*		اباقا
			*			*		*	*	*	*	*			*				احمد
			*		*	*	*	*	*	*	*	*							ارغون
			*			*	*	*	*	*	*	*							گیخانو
						*					*								بایدو
	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*							*	غازان
	*	*			*	*	*	*	*	*	*						*		الجایتو
*		*			*	*	*	*	*	*	*					*			ابوسعید

جدول ۱. کاربرد منابع مشروعیت‌ساز بر سکه‌های ایلخانی (نگارندگان)

پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها

- ۱ در این پژوهش، یک طرف از سکه که نام ایلخان را دارد به‌عنوان روی سکه و طرف دیگر که اغلب دارای شعارهای مذهبی، تاریخ و مکان ضرب است به‌عنوان پشت سکه در نظر گرفته شده‌است.
- ۲ مشابه این آیه در آیه ۳۳ سوره‌ی توبه نیز آمده است. در این‌جا به‌منظور یک‌دست‌سازی متن پژوهش، در همه جا آیه‌ی ۹ سوره‌ی صف در نظر گرفته خواهد شد.
- ۳ بایگانی موزه‌ی بانک سپه، ردیف ۱۲۱۶۱ (حسن‌زاده، ۱۳۹۲: ۶۱).
- ۴ صورت مغولی واژه‌ی ترکی «منگو» به‌معنای جاویدان (موسوی، ۱۳۸۰: ۱۰۳).
- ۵ درهمی از هولاکو ضرب بغداد در ۶۶۴ هـ ق (علاء‌الدینی، ۱۳۹۵: ۲۹).
- ۶ درهمی مربوط به سال ۶۶۳ هـ ق ضرب بالجزیر العمر (علاء‌الدینی، ۱۳۹۵: ۲۸).
- ۷ عبارت دعایی «زیدت عظمه» پیش از تشکیل حکومت ایلخانی در سکه‌ای به تاریخ سال ۶۵۷ هـ ق، ضرب ماردین (منطقه خراج‌گذار فرمانروایان مغول) آمده است (علاء‌الدینی، ۱۳۹۵: ۲۳). به این ترتیب در مناطق فتح شده، به‌نوعی قالب کلی کتیبه‌ی سکه‌های پیشین در برخی جزئیات، متناسب با شعارهای جدید رعایت می‌شده‌است.
- ۸ برای اطلاعات بیشتر نک: شهبازی فراهانی، ۱۳۸۰: ۶۵-۶۴.
- ۹ بر حاشیه‌ی دیناری از هولاکو ضرب مدینه السلام (۶۵۶ هـ ق) آیه ۲۶ سوره آل‌عمران ضرب شده است (شماره سکه: C236, www.davidmus.dk).
- ۱۰ فلوسی از هولاکو با عنوان «سلطان» معرفی شده و در حاشیه‌ی سکه نام خلفای راشدین مشهود است (شماره سکه: A-2125.3, www.tokakte.dk).
- ۱۱ سکه‌ای دیگر ضرب شده در سال ۶۷۹ در رمینیه، در دست است که عبارت: «قان الاعظم، اباقا ایلخان المعظم» روی سکه و در حاشیه پشت سکه آیه ۲۶ سوره آل‌عمران آمده است (ترابی طباطبایی، ۱۳۵۳: ۱۸۴).
- ۱۲ (برای اطلاعات بیشتر نک: Diler, 2006: 25).
- ۱۳ متن روی سکه: «قان/ پادشاه عالم ایلخان المعظم اباقا»
- ۱۴ درهم منگوقان ضرب ۶۵۳ هـ ق.
- ۱۵ فلوسی در دست است که عبارت «قان/ پادشاه عالم ایلخان الاعظم اباقا» بر آن حک شده است (شماره سکه: A2131.5, www.totakt.dk). بر فلوس دیگری نیز عبارت «شاه عالم/ سلطان الاعظم اباقا» آمده است (شماره سکه: A2131-5, Ibid). همچنین درهمی ضرب بغداد (۶۶۳ هـ ق)

- موجود است که «قان/ پادشاه عالم ایلخان الاعظم اباقا» روی آن نوشته شده است (شماره سکه: ۰۰۰۱۰۱۲۲۲۱، بایگانی موزه بانک سپه).
- ۱۶ درهمی ضرب ۶۸۰ هـ ق موجود است که بر آن «قان عادل» و در پشت سکه «الله/ احمد» آمده است (بایگانی موزه بانک سپه: شماره سکه ۰۰۰۱۰۰۲۵۲۰).
- ۱۷ فلوسی ضرب سینجار (۶۸۱ هـ ق) در دست است که بر آن عبارت «قان الاعظم/ احمد ایلخان المعظم» آمده است (شماره سکه: A-2143B، www.totakt.dk).
- ۱۸ دینار ضرب تبریز که بر آن شعار ایغوری و پشت سکه «الحمد لله/ لا اله الا الله/ محمد رسول اله/ صلی الله/ علیه» است (شماره سکه: A-2138، www.totakt.dk).
- ۱۹ عبارت ایغوری روی سکه و «بسم الاب و الابن و روح القدس آله واحد» بر پشت آن ضرب شده است (شماره سکه: A-2141-2، www.totakt.dk).
- ۲۰ برای اطلاعات بیشتر نک: وصاف، ۱۳۳۸: ۲۳۴-۲۳۰؛ همدانی، ۱۳۷۳، ج ۳: ۹۲۶.
- ۲۱ درهم ضرب گنجه (۶۸۵ هـ ق) با عبارت «خاقانو اریبا ارغونون دلدکگولوک سن» به خط ایغوری به معنی «سکه توسط ارغون به نیابت از طرف خان بزرگ ضرب شده است» روی سکه و «قان المله» بر پشت آن (شماره سکه: A-2146B، www.totakt.dk).
- ۲۲ درهم ضرب استرآباد (؟) (۸۶(؟)۶ هـ ق) (شماره سکه: A-2149.1، www.totakt.dk).
- ۲۳ جواهر گران بها
- ۲۴ «خاقانو اریبا بایدوبین دلدکگولوک سن»
- ۲۵ برای مطالعه بیشتر نک: بیانی، ۱۳۹۳: ۱۶-۲۱.
- ۲۶ تنها نمونه‌ی موجود از شعار ایغوری پیشین، درهمی ضرب تفلیس (۶۹۸ هـ ق) با شعارهای مسیحی است که عبارت «خاقانو اریبا غازانو دلدکگولوک سن» بر خود دارد (شماره سکه: A-2168N، www.totakt.dk).
- ۲۷ دینار ضرب تبریز (شماره سکه: A-2167، www.totakt.dk).
- ۲۸ درهم ضرب نیشابور (۶۹۶ هـ ق) (شماره سکه: A-2168.B، www.totakt.dk).
- ۲۹ درهم ضرب تبریز، در این نمونه نام ایلخان به جای غازان «قازان» حک شده (شماره سکه: A 2168.N، www.totakt.dk).
- ۳۰ به معنی شاه شاهان، سرآمد شاهان.
- ۳۱ خوانش این عبارت با حروف لاتین «Ch- Kra- Werdi» به معنی امپراطور جهان است که به اعتقاد دیلر خط این عبارت چینی، پاگزیا (همجانبی ابداعی راهبان تبتی برای رونویسی زبان چینی در دوره‌ی مغول) است (Diler, 2006: 26).

۳۲ بر درهم دیگری آیه ۱۱۲ سوره‌ی توبه نیز مشهود است (علاءالدینی، ۱۳۹۵: ۲۲۴).

۳۳ در این سکه سلطان با این عنوان معرفی شده است: «السلطان الاعظم غیاث الدین و الدین خداپنده محمد»

۳۴ درهم ضرب بغداد (۷۳۵ هـ ق) (شماره سکه: A-2218.2، www.totakt.dk).

۳۵ فلوس با تاریخ نامعلوم (شماره سکه: A-2220، www.totakt.dk).

کتاب‌نامه

- ابن خلدون، عبدالرحمان (۱۳۸۸). العبر: تاریخ ابن خلدون؛ ترجمه عبدالمحمد آیتی، ج ۴، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل (۱۳۵۱ هـ). البدايه و النهايه فی التاريخ؛ ج ۱۳، دمشق: مطبعة السعادة.
- احمدی، عباسعلی و میترا شاطری و شیما شمسی (۱۳۹۴). «سکه‌های دوره‌ی ایلخانی، رسانه‌ی ای برای بازتاب بستر سیاسی و اجتماعی عصر خود»؛ دومین همایش باستان‌شناسی ایران، آبان‌ماه ۱۳۹۴.
- اشپولر، برتولت (۱۳۸۶). تاریخ مغول در ایران؛ ترجمه محمود میر آفتاب، تهران: علمی فرهنگی.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۴). تاریخ مغول؛ تهران: امیرکبیر.
- آیتی، عبدالمحمد (۱۳۸۳). تحریر تاریخ و صاف، تهران: مؤسسه اطلاعات و تحقیقات فرهنگی.
- براون، ادوارد (۱۳۳۹). تاریخ ادبیات ایران از سعدی تا جامی (تاریخ ادبی ایران)؛ ترجمه علی اصغر حکمت، ج ۳، تهران: ابن سینا.
- بیانی، شیرین (۱۳۸۹). دین و دولت در ایران عهد مغول؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- بیانی، شیرین (۱۳۹۳). مغولان و حکومت ایلخانی در ایران؛ تهران: سمت.
- بیتهم، دیوید (۱۳۸۲). مشروع‌سازی قدرت؛ محمد عابدی اردکانی، یزد: دانشگاه یزد.
- ترابی طباطبایی، جمال (۱۳۴۷). سکه‌های مغول و گورکانی؛ تبریز: بینا.
- ترابی طباطبایی، جمال (۱۳۵۱). «رسم الخط ایغوری و سیری در سکه‌شناسی»؛ نشریه موزه آذربایجان، شماره ۶.
- ترابی طباطبایی، جمال (۱۳۵۳). «سکه‌های متنوع از اباقا»؛ بررسی‌های تاریخی، شمار ۶.
- ترنر، جان‌تان و اچ. بیگلی آل (۱۳۷۰). پیدایش نظریه‌های جامعه‌شناسی؛ ترجمه عبدالعلی لهسایی‌زاده، شیراز: دانشگاه شیراز.
- ثواقب، جهانبخش و سیاوش امرایی (۱۳۹۶). «روند دگرگونی شعائر مذهبی بر روی سکه‌های دوره ایلخانی»؛ دو فصلنامه تخصصی تاریخ ایران اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، شماره ۲، صص ۱-۳۲.

- جوینی، عظاملک بن محمد (۱۳۸۵). تاریخ جهانگشای جوینی؛ تصحیح محمد عارف قزوینی، ج ۱، تهران: دنیای کتاب.
- حسن‌پور، شکوفه و فیض‌الله بوشاب‌گوشه (۱۳۹۶). «بررسی تحلیلی پیوند ایلخانان و دربار مرکزی مغول در مسئله جانشینی»؛ پژوهش‌های تاریخی، شماره ۳۶، صص ۲۱۸-۲۳۶.
- حسن‌زاده، اسماعیل (۱۳۹۲). تاریخ ایران در عهد خوارزمشاهیان (سه دهه واپسین)، تهران: پارسه.
- خواند میر، غیاث‌الدین بن همادالدین (۱۳۸۰). حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر؛ تصحیح محمد دبیرسیاقی و جلال‌الدین همایی، ج ۲، تهران: کتابفروشی خیام.
- خواند میر، غیاث‌الدین بن همادالدین (۱۳۸۷). حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر؛ تصحیح محمد دبیرسیاقی و جلال‌الدین همایی، ج ۳، تهران: هرمس.
- رضوی، ابوالفضل (۱۳۸۸). شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلخانان؛ تهران: امیرکبیر.
- روحی میرآبادی، علی رضا (۱۳۸۱). «ایلخانان در برابر ممالیک»؛ مجله دانشکده ادبیات دانشگاه بیرجند، شماره ۲، صص ۱۲۵-۱۴۴.
- زریاب‌خویی، عباس (۱۳۶۶). «سازمان اداری ایران در زمان حکومت ایلخانان (۱)»؛ مجله باستان‌شناسی و تاریخ، شماره ۲، صص ۴۲-۴۹.
- زیدان، جرجی (۱۳۳۳). تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهرکلام، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
- ساندرز، ج. ج. (۱۳۶۱). تاریخ فتوحات مغول، ترجمه ابوالقاسم حالت، تهران: امیرکبیر.
- سرافرازی، عباس (۱۳۸۹). «گرایش‌های سیاسی، مذهبی ایلخانان بر اساس مسکوکات ایلخانی ۶۵۱-۷۵۶ ه.ق.»؛ پژوهش‌های تاریخی، شماره ۱، صص ۴۷-۶۶.
- سرفراز، علی‌اکبر و فریدون آورزمانی (۱۳۸۹). سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندگی؛ تهران: سمت.
- شبانکاره‌ای، محمد (۱۳۷۶). مجمع‌الانساب، تصحیح میر هاشم محدث، ج ۲، تهران: امیرکبیر.
- شهبازی فراهانی، داریوش (۱۳۸۰). تاریخ سکه (دوره قاجاریه)، تهران: پلیکان.
- شریعت‌زاده، علی اصغر (۱۳۹۰). سکه‌های ایران زمین (مجموعه سکه‌های مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک)؛ تهران: پازینه.
- علاء‌الدینی، بهرام (۱۳۹۴). سکه‌های ایران از طاهریان تا خوارزمشاهیان؛ تهران: فرهنگسرای میردشتی.
- علاء‌الدینی، بهرام (۱۳۹۵). سکه‌های ایران دوره ایلخانان مغول؛ تهران: برگ‌نگار.
- قرآن کریم.
- کاشانی، ابوالقاسم عبدالله بن محمد (۱۳۸۴). تاریخ اولجایتو؛ تصحیح مهین همبلی، تهران: علمی فرهنگی.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۶۴). تاریخ گزیده؛ تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.
- مقریزی، احمد بن علی (۱۹۵۷). السلوک المعرفه دول الملوک، صحح و وضع حواشیه محمد مصطفی زاده، ج ۱، قاهره، مطبعه لجنه التالیف و النشر.

- مقریزی، احمد بن علی (۱۹۴۱). السلوک المعرفه دول الملوک، صحح و وضع حواشیه محمد مصطفی زیاده، ج ۲، قاهره، مطبعه لجنه التالیف و النشر.
- موسوی بجنوردی، کاظم (۱۳۹۳). تاریخ جامع ایران، از دوره اتابکان تا ایلخانان؛ ج ۹، تهران: مرکز دائرهالمعارف بزرگ اسلامی.
- موسوی، مصطفی (۱۳۸۰). «نقد و بررسی تاریخ چین از جامع التواریخ خواجه رشیدالدین فضل‌الله»؛ فصلنامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی، شماره ۲، صص ۹۶-۱۱۲.
- موزه سکه بانک سپه تهران.
- ناومن، رودلف (۱۳۸۲). ویرانه‌های تخت سلیمان و زندان سلیمان؛ ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران: میراث فرهنگی.
- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۵۸). تاریخ مبارک غازانی؛ تصحیح کارل یان، هرتفرد؛ استفن اوستین.
- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۷۳). جامع التواریخ؛ تصحیح محمد روشن و مصطفی موسوی، ج ۳، تهران: البرز.
- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۹۲). جامع التواریخ؛ تصحیح محمد روشن، ج ۲، تهران: میراث مکتوب.
- وبر، مارکس (۱۳۷۴). اقتصاد و جامعه؛ ترجمه عباس منوچهری و دیگران، تهران: سمت.
- وصاف الحضرة، شهاب الدین عبدالله بن فضل‌الله (۱۳۳۸). تجزیة الامصار و تجزیة الاعصار، تصحیح محمد مهدی اصفهانی، ج ۱-۵، تهران: کتابخانه ابن سینا و جعفری تبریزی.
- یار احمدی، مهدی (۱۳۸۹). «سکه‌های دوره مغول»؛ رشد آموزش تاریخ، شماره ۳۸، صص ۳۹-۴۲.
- Baines, J. & N. Yoffee. (2000). "Order, Legitimacy, and Wealth: Setting the Terms", in J. Richards and M. van Buren eds., Order, Legitimacy and Wealth in Ancient States, Cambridge: Cambridge University Press.
- Badrch, Nyamaa. (2005). "The Coins of Mongol Empire and Clan Tamgha of Khans (XIII-XIV)", Ulaanbaatar, Mongolia.
- Blair, S. (1983). "The Coins of the Later Ilkhanids: A Typological Analysis" Journal of the Economic and Social History of the Orient.
- Diler, Omer. (2006). "Ilkhans (Ilkhanids). Coinage of the Persian Mongols", Private Edition, Istanbul.
- Neyestani, J, Salehi, A, Mousavi Kohpar, M, Hajivaliei, M, Noubari, A, (2014). "Politico-Economic Conditions if Ilkhanid Coins from Different Mint Houses" by PIXE, Sociology and Anthropology. vol, 2 (2), pp. 29- 34.
- Lane, George, (2003). Early Mongol Rule in their Thirteenth-Century Iran: A Persian Renaissance. New York: Routledge Curzon Press.
- <http://www.cngcoins.com>
- <http://www.numisbids.com>

تحلیل فرآیند مشروعیت‌سازی بر سکه‌های ایلخانی ... ۱۲۱

<http://www.coinarchives.com>

<http://www.davidmus.dk>

<http://www.totakt.dk>

<http://www.vcoins.com>

